

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد
۲۵ اکتوبر ۲۰۲۱

نصیب جامعه و مردم از سران حکومت، تخریب، فقر و بی عدالتی

علائم زندگی مشقت‌بار میلیون‌ها انسان دردمند ایران را می‌شود در چند بخش توضیح داد. گرانی روبه افزون اقلام اولیه زندگی و ناتوانی در تهیه آن‌ها، نبود مسکن و هزینه سرسام‌آور آن، حاشیه‌نشینی میلیونی، مرگ هزاران انسان محروم در برابر حوادث طبیعی قابل کنترل، دُوری میلیون‌ها کودک از تحصیل به دلیل بالا بودن لوازم و هزینه آموزشی، تلف شدن صدها دانش‌آموز در اثر آتش‌سوزی، کمبود بیمارستان‌ها و امکانات اولیه پزشکی، اخراج و متعاقباً بالا کشیدن حقوق ناچیز کارگران توسط کارفرمایان و صاحبان تولیدی، تكدی‌گری، افزایش افسردگی و غارت ثروت‌های جامعه و ده‌ها مورد از این قبیل، نتیجه نظامی است که به جامعه و به مردم ایران تحمیل شده است. در ایران زیر سلطه سردمداران رژیم جمهوری، زندگی کارگران، زحمت‌کشان، زنان، مردان و نیز جوانان و کودکان تباه شده است که شرح همه‌جانبه آن‌ها کمی دشوار می‌باشد. به راستی هیچ قسم و صنفی از تیررس حاکمان بدُور نیست و فشارها به مردم روز به روز دارد بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود. عجب زمانه‌ای جانیان بشریت ساخته‌اند که مردم برای نان شب‌شان مانده‌اند و در عوض عده‌ای محدود و آن‌هم به یمن و با حمایت بی‌دریغ حکومت‌مداران و دولت‌مداران، سوار بر اربابه اقتصاد و در پی دست‌درازی هر چه بیش‌تر ثروت‌های مملکت‌اند.

دریغا دردهای جامعه و مردم یکی دو تا نیستند و سران حکومت منابعی طبیعی را غارت و زیرساخت‌ها را ویران و بباد داده‌اند. تخریب هکتاری جنگل‌ها و تغییر مسیر رودخانه‌ها و آب‌ها در امتداد سیاست‌های اقتصادی؛ و نیز بیکاری میلیون‌ها فارغ‌التحصیل و سوءتغذیه کودکان در ایران بی‌داد می‌کند و در این‌بین رئیس جمهور منتصب حکومت (رئیس) هم به پاس اعمال پیشین‌اش، در پی تداوم آن نظامی‌ست که بیش از چهار دهه در پوشه خود، الا غارت و جنایت ندارد؛ همان رئیس جمهوری که از جمله کارپردازان جنایت دهه شصت در دورن سیاه‌چال‌های نظام هست؛ همان رئیس جمهوری که دهه‌ها همسو با دیگر سران و مسئولین مملکت به سفره اندک مردم تعرض کرده و منابعی طبیعی‌ای همچون نفت و گاز را به جیب زده است. معلوم است از درون چنین نظام‌هایی «.. همان بُرون تراود که در اوست»؛ معلوم است که با وجود چنین سیستم و مناسباتی پول‌ها و درآمدهای جامعه به جیب و به حلقوم کسانی خواهد رفت که در مسند قدرت‌اند؛ پس دودلی نیست که در این‌بین چیزی نصیب و عاید مردم نخواهد شد. برای مثال چند وقت قبل اوپک و آن‌هم طی گزارشی [ناقص] اعلام کرده است: " .. سهم هر ایرانی از سفره نفت، ۱ میلیون و ۹۲۵ هزار تومان در ماه است، یعنی تقریباً ۴۲ برابر یارانه ماهانه نقدی".

البته و در حایشه قرار بر این بود که "درآمد" نفت به کیسه مردم سرازیر و متعاقباً برق و گاز و آب مجانی شود؛ قرار بر این بود که مردم بی‌مسکن و در تهیه نیازهای اولیه زندگی‌شان با مشکلات رودرو نشوند؛ قرار بر این بود که آموزش رایگان و همه از آن بهره‌مند گردند، ولی نه تنها هیچ قسم از وعده‌های پیش‌حکومتی نظام جمهوری اسلامی به مرحله عمل در نی‌آمده، بل که اوضاع جامعه و معیشت مردم به مراتب بدتر و بدتر هم شده است. در هر صورت غارت اموال عمومی و تورم جامعه بسیار بالاست و به موازات آن‌ها قدرت خرید مردم بسیار پائین آمده است تا آن‌جا که توان خرید شیر، ماست و پنیر را از دست داده‌اند. خودی‌ها و جرایده‌های حکومتی دارند می‌گویند و می‌نویسند که اوضاع زندگی مردم بسیار زجرآور شده است. در این خصوص خبرگزاری کار ایران [ایلنا] از زبان کارگر شهرداری می‌نویسد: "ماها است که گوشت قرمز نخریده‌ایم". نیز زن دست‌فروشی در متروی تهران گفته است: "به عنوان یک سرپرست خانواده و نان‌آور، مدت‌هاست که گوشت قرمز و سفید نخریده است، غذای همیشگی ما تخم‌مرغ بود که آن هم به شدت گران شده؛ ۴ دانه تخم‌مرغ شده ۱۰ هزار تومان، قبلاً مردم به طعنه می‌گفتند «نان و ماستی در منزل هست و با هم می‌خوریم». حالا همان ماست هم دیگر در منزل نیست؛ ۱ کیلو ماست زیر ۲۰ هزار تومان پیدا نمی‌شود؛ اجاره خانه و هزینه‌های اجباری را مجبوریم بدهیم، مجبوریم برای دخترم دفتر و مداد بخرم، مجبورم پول قبض‌ها را بدهیم؛ این‌ها را اجبار دارم و می‌پردازم، اما ناچاراً از هزینه‌های سفره و غذا کم می‌کنم، دیگر کیفیت غذا اهمیتی ندارد، فقط چیزی می‌خوریم که زنده بمانیم و کار کنیم، هر چیزی که ارزان‌تر باشد».

همچنین روزنامه اعتماد از زبان «فرامرز توفیقی» نماینده کارگران در شورای عالی کار نوشته است: "هزینه معیشت کارگری به مرز ۱۱ میلیون تومان رسیده، این در حالی است که حداقل دست‌مزد کارگران تنها ۳۷ درصد هزینه معیشت واقعی یک خانوار کارگری را پوشش می‌دهد". در ضمن وی "... باعث و بانی تورم افسار گسیخته، انبساط پولی و بی‌انضباطی مالی را دولت و دستگاه‌های اجرایی دانسته که بدون ایجاد ارزش افزوده از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند" و در ادامه وزرات کار گزارش داده است که: "بیش از یک سوم جمعیت ایران [یعنی ۳۰ میلیون نفر] در فقر مطلق هستند".

همسو با موارد دردناک فوق و دزدی‌های دم و دستگاه‌های حکومتی - دولتی، میزان افسردگی و اختلالات روانی [که ربط با واسطه‌ای با بیکاری، فقر، نداری و گرانی کالاهای اولیه زندگی مردم دارد] بشدت روبه بالاست تا جایی که دبیرکل خانه پرستاران ایران گفته است "بیش از ۵۰ درصد کارد پرستاری کشورمان دچار اختلالات روانی است". همچنین «احمد حاجبی» رئیس دفتر سلامت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران گفته است: "۲۳ درصد جمعیت به نوعی دچار اختلالات روانی هستند".

این‌ها از جمله نمونه‌های کوچک و غم‌انگیز زندگی کارگر شهرداری، زن سرپرست، کادر پرستاری و دیگر کارگران و محرومانی است که دارد از سوی این و آن نهاد و یا روزنامه‌های وابسته به نظام بگوش می‌رسد؛ در حقیقت این سیمای جامعه‌ای است که میلیون‌ها خانواده با آن‌ها دست به گریبان‌اند و روزانه بر تعداد آن‌ها افزوده و افزوده‌تر می‌شود. آری در جامعه پُر از ثروت، ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی یعنی ماست، شیر، پنیر و نان به مثابه غذاهای لوکس به حساب آمده و در سفره میلیون‌ها خانواده کمیاب و یا نایاب شده است و در مقابل مصرف‌گرایی و دارایی سران حکومت گوش فلک را کر کرده است. مگر بی‌علت است که استانداردهای زندگی و کیفیت غذائی میلیون‌ها انسان دردمند به ته جدول و برنامه‌های حکومت‌مداران و دولت‌مداران رفته است؟ مگر بی‌علت است که میزان خودکشی، بیکاری، بی‌خانمانی، روی‌آوری جوانان به مواد مخدر، کودکان کار خیابانی و نظایر این‌ها زیاد و نیز دیگر مصائب اجتماعی جامعه ایران را احاطه کرده است؟ ایران انباشته از درد و رنج مردم شده است و علی‌رغم ازیاد ثروت و منابعی

سرشار طبیعی، همچنان اکثریت جامعه همه محرومیت‌ها را حفظ کرده‌اند و در این میان حاکمان ایران در پی راست و ریس کردن سیاست‌های امپریالیستی و تأمین بیش از پیش منافع سرمایه‌داران وابسته‌اند. البته نباید از قلم انداخته شود که در سر تیتز همه این‌ها، سیاست سرکوب [و آن‌هم به‌طور روزمره] بر شانه‌های کارگران، زحمت‌کشان، زنان، جوانان و دیگر توده‌های محروم سنگینی می‌کند و به‌راستی رمق آن‌ها را گرفته است. در این حوزه‌ها نه تنها هیچ حمایت و پوششی برای زندگی بخورونمیر و نیز کمترین ایستادگی عملی در برابر تعرضات خشونت‌بار حکومت‌مداران به مردم نیست بلکه [بنابه دلایل روشن] دامنه آن‌ها وسیع و وسیع‌تر شده و سران حکومت دارند روز به‌روز به سفره مردم چنگ بیش‌تری می‌اندازند و به قلع و قمع مخالفت‌های کارگری و توده‌ای می‌پردازند. به بیان بهتر به‌همان میزان جیب و سفره مردم خالی و خالی‌تر می‌شود به‌میزانی بیش‌تر، سفره و کیسه مسئولین، نهادهای سرکوب و مقامات حکومتی - دولتی بیش‌تر و پُرتر می‌شود.

با این اوصاف تنها راه خلاصی مردم از زیر سلطه حاکمان کنونی، در کار بست سیاست مقابله‌ای است؛ نیز یک‌راه پاسخ‌گوی کمیابی و یا نایابی سفره مردم از نیازهای اولیه زندگی است؛ یک راه متضمن رهائی جامعه از مفاسد اقتصادی و دست‌درازی‌های بی‌وقفه سران حکومت است و آن‌هم ایستادگی عملی و بخصوص به‌مصاف طلبیدن حامیان حقیقی [و نه ادعایی] مردم، به نهادهای و ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی است. به این سبب که سردمداران رژیم جمهوری بکرات نشان داده‌اند، به هیچ‌روی حاضر به دادن مطالبات پایه‌ای کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده نیستند؛ نشان داده‌اند با هیچ صراطی مستقیم نیستند و کار و بارشان غارت ثروت‌های جامعه و تعرض به معیشت مردم است؛ نشان داده‌اند که بدون زور سازمانیافته و ازبادهای خندق‌ها و حصارهای سرکوب قادر به حکومت‌مداری نیستند.

خلاصه تا زمانی که جانیان بشریت در مسند قدرت‌اند، سیکل زندگی میلیون‌ها انسان دردمند نه تنها تغییری نخواهد کرد بلکه مسیر مخرب‌تری را در پیش خواهد گرفت و نیز محرز شده است که اعتراضات کارگری و توده‌ای [به‌هر میزان و قدرتی] بخودی‌خود، قادر به تغییر اساسی درون جامعه نیست؛ محرز شده است که پس‌زدن سیاست‌های خشونت‌بار نظام، مستلزم انتخاب سیاست‌های مطابق با قاعده‌بندی‌های حاکم بر جامعه است؛ محرز شده است که جامعه سری سالم و با برنامه می‌خواهد، سری که در بیرون است و با حضور در درون و همچنین در ارتباط تنگاتنگ با مخالفت‌ها و خیزش‌های اعتراضی، نظام و دم و دستگاه‌های وابسته بدان‌ها را مورد هدف قرار می‌دهد. متأسفانه خلأی که چندین دهه جامعه ایران را احاطه کرده است و بی‌علت هم نیست که سران حکومت از چنین وضعیتی شادمان‌اند؛ برای این‌که می‌دانند مناسبات و سیستم سرمایه‌داری علی‌رغم پس کشیدن‌های چند، در برابر اعتراضات و مطالبات کارگری و توده‌ای پابرجا خواهد ماند. پس فقط با بودن سازمان کمونیستی با برنامه و با سازمان‌دهی اعتراضات کارگری و توده‌ای توأم با زور سازمانیافته است که می‌شود جامعه و مردم را از وضعیت ناهنجار کنونی نجات داد و بویژه ریشه بی‌عدالتی، گرانی، کمیابی و یا نایابی نیازهای اولیه زندگی سازندگان اصلی جامعه را سوزاند.

۲۴ اکتوبر ۲۰۲۱

۲ آبان [عقرب] ۱۴۰۰